

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

محاسبه‌ی خط فقر در ایران

طی سال‌های ۸۲-۱۳۸۰

همکاران طرح

فریده باقری - خلیل حیدری - سید حسین پیمان

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده‌ی آمار

پائیز ۱۳۸۳

به نام خداوند جان و خرد

پیش‌گفتار

موضوع فقر و این‌که به کدام قشر از جامعه و برپایه چه اطلاعاتی می‌بایست کمک بیشتری شود، مورد توجه روز افزون سیاست‌گذاران مسائل اجتماعی - اقتصادی می‌باشد. هر چند که این موضوع به ظاهر ساده به نظر می‌رسد ولی به‌طور کلی مسئله فقر از دیدگاه مسائل نظری و روش‌های اجرایی پدیده پیچیده‌ای است. پیچیدگی موضوع، وجود روش‌های مختلف اندازه‌گیری فقر و فراهم نبودن داده‌های آماری دقیق و معتبر در مورد درآمدها و هزینه‌های افراد و خانوارها ایجاب می‌کند که هرگونه بحث جدی در خصوص تعیین میزان خط فقر و محاسبه‌ی جمعیت فقیر با دقت و احتیاط بیشتری صورت گیرد. علی‌رغم پیچیدگی پدیده‌ی فقر، در سالیان اخیر تلاش‌های زیادی برای بررسی مقوله‌ی فقر در قالب مطالعات پژوهشی، ارائه مقاله، تألیف کتاب، برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی در سطح جهانی و از جمله ایران صورت گرفته است. یکی از تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه طرح پژوهشی است که با عنوان **اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران طی سال‌های ۷۹-۱۳۶۳** در پژوهشکده‌ی آمار در سال ۱۳۸۱ انجام شد. پژوهش حاضر در ادامه‌ی طرح قبلی و با هدف حفظ سری زمانی محاسبه‌ی خط فقر با روش یکسان صورت گرفته است.

این پژوهش در گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده‌ی آمار در پائیز ۱۳۸۳ با همکاری خانم فریده باقری (مدیر گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده‌ی آمار)، آقایان خلیل حیدری (محقق مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی) و سید حسین پیمان (کارشناس ارشد دفتر آمارهای اجتماعی - اقتصادی خانوار مرکز آمار ایران) انجام شده است که بدین وسیله از زحمات آن‌ها تقدیر و تشکر می‌شود.

همچنین لازم است از زحمات آقای مسعود فتاحی (کارشناس دفتر طراحی سیستم مرکز آمار ایران) برای آماده‌سازی فایل هزینه و درآمد خانوار و خانم مهرنوش میرمحمد برای تدوین گزارش تقدیر و تشکر شود.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

آبان ماه ۱۳۸۳

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|---------|--|
| ۳..... | مقدمه..... |
| ۵..... | ۱- خط فقر: تعاریف و مفاهیم..... |
| ۸..... | ۲- تعیین خط فقر در مناطق شهری و روستایی ایران..... |
| ۹..... | ۲-۱- برآورد خط فقر براساس نیاز به کالری..... |
| ۱۳..... | ۲-۲- برآورد خط فقر بر پایه ۵۰ و ۶۶ درصد میانگین مخارج..... |
| ۱۴..... | ۲-۳- برآورد خط فقر بر اساس ۵۰ و ۶۶ درصد میانه مخارج..... |
| ۱۵..... | ۳- بررسی سطح فقر در خانوارها..... |
| ۱۶..... | ۴- نتیجه گیری..... |
| ۱۷..... | منابع و مأخذ..... |

مقدمه

برای فقر تعاریف متعددی وجود دارد که در همه آنها «نوعی محرومیت از امکانات متعارف زندگی» ملحوظ می‌باشد. با توجه به تعریف محرومیت، دو جنبه‌ی مطلق و نسبی در شناسایی افراد فقیر مطرح می‌شود. آستانه‌ای که بر اساس هر یک از این دو جنبه معین می‌شود، خط و مرزی میان فقرا و سایر افراد جامعه ترسیم می‌کند که خط فقر نامیده می‌شود.

فقر مطلق به ناتوانی در تأمین حداقل نیازهای ضروری افراد (مانند غذا، پوشاک، مسکن،...) تعریف شده است. در مقابل آن فقر نسبی قرار دارد که یک موضوع نسبی است و به ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه‌ی فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است. به این ترتیب در تعریف نسبی فقر به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت، بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود.

انتخاب یکی از دو روش مطلق یا نسبی برای محاسبه‌ی خط فقر در اجرای سیاست‌های عملی فقرزدایی و نیز توزیع درآمدی حائز اهمیت فراوان است. زیرا شاخص‌های فقر مبتنی بر هر یک از این مفاهیم حساسیت‌های متفاوتی در مقابل تغییرات اقتصادی- اجتماعی کوتاه مدت و بلند مدت از خود نشان می‌دهند.

تاکنون در ایران فعالیت‌های متعددی در زمینه‌ی محاسبه‌ی خط فقر و شاخص‌های فقر از سوی سازمان‌های مختلف صورت گرفته است، ولی محاسبات مذکور به صورت یک مجموعه سری زمانی با روش یکسان و واحد تداوم نداشته است. از این رو پژوهشکده‌ی آمار در سال ۱۳۸۳ در ادامه‌ی مطالعه‌ی اخیر خود برای محاسبه‌ی خط فقر طی سال‌های ۷۹-۱۳۶۳، به منظور حفظ سری زمانی خط فقر با روش یکسان، محاسبه‌ی آن را برای سال‌های ۸۲-۱۳۸۰ بر اساس روش‌های نیاز به کالری (۲۳۰۰، ۲۱۷۹)، درصدی از میانگین مخارج خانوارها (۵۰ و ۶۶ درصد) و درصدی از میانه مخارج خانوارها (۵۰ و ۶۶ درصد) در دستور کار خود قرار داد.

۱- خط فقر: تعاریف و مفاهیم

برای آن که بتوان درک درستی از مفهوم خط فقر به دست آورد، لازم است ابتدا مروری کوتاه به انواع خط فقر و تعریف آن داشته باشیم. فقر را می توان از جهات گوناگون تعریف و تقسیم بندی نمود:

الف- از نظر زمانی: فقر دائمی و فقر موقتی

ب- از نظر بعد و وسعت: فقر موردی و فقر فراگیر

ج- از نظر کیفیت: فقر مادی و فقر معنوی

د- از سایر جهات: فقر مطلق، فقر نسبی، فقر ذهنی و ...

فقر موقتی معمولاً در شرایط ویژه و برای دوره ای خاص به وجود می آید. شرایط نامساعد اقلیمی و یا بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله و ... یا حوادث اجتماعی مثل جنگ، بحران و ... منجر به این نوع فقر می شوند که به سرعت قابل کنترل است. اما فقر دائمی، اشاره به شرایطی دارد که در آن یک فرد خاص، در طول زندگی خود دچار نوعی سکون و پایداری از نظر اجتماعی و اقتصادی بوده و قادر نیست خود را از آن شرایط خارج سازد.

فقر موردی¹ به برخی جوامع خاص مربوط می شود و برای عده ای خاص مطرح است ولی فقر فراگیر² قشر کثیری از جامعه را در بر می گیرد و بیشتر شامل حال جوامع روستائی می شود. فقر مادی عبارت است از ناتوانی در کسب معاش و گذران زندگی روزمره، در حالی که فقر معنوی، گستره ای است به وسعت مسائل اجتماعی، که موضوع آن هر یک از جهات و ابعاد حیات اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار می دهد. به عبارت دیگر فقر معنوی در حقیقت همان سلب امکان اندیشیدن صحیح در میان افراد است، که باعث می شود نتوانند با اندیشه سالم وضعیت خودشان را در جامعه بهبود دهند.

بنا به تعریف، فقر مطلق از محرومیت یا ناتوانی فرد در تأمین حداقل نیازهای ضروری و اساسی سرچشمه می گیرد. هر چند که مفهوم حداقل نیازهای ضروری نیز خود مفهوم ثابتی نبوده و

¹Case poverty

²Mass Poverty

معمولاً در طی زمان یا از مکانی به مکان دیگر تغییر پیدا می‌کند. فقر نسبی، عبارت است از ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده شده است. در واقع در فقر نسبی ارضای نیازهای فرد در رابطه و نسبت به دیگر افراد جامعه سنجیده می‌شود. خط فقر نسبی، یا به صورت درصد معینی از میانه یا سطح متوسط درآمد و یا به شکل مرز درآمدی که درصدی معین از افراد جامعه پائین‌تر از نصف قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود. به عنوان مثال در ایالات متحده، افرادی که درآمد آنها پائین‌تر از نصف میان‌ه‌ی درآمد سرانه جامعه باشد، فقیر محسوب می‌گردند. مشکلی که مفهوم فقر نسبی ایجاد می‌کند آن است که این تعریف همیشه و به طور خودکار عده‌ای از افراد جامعه را به عنوان فقیر معرفی می‌کند و بدین ترتیب مشکل فقر را به صورت یک مسئله دائمی و اجتناب ناپذیر جوامع، صرف نظر از درجه پیشرفت و رفاه آنها، معرفی می‌کند. این مسئله مهمترین اشکال خط فقر نسبی است که استفاده از آن را در سیاست‌های فقرزدایی دچار مشکل می‌کند. خط فقر نسبی و شاخص‌های فقر نسبی بیش از آن که نمایانگر فقر باشند میزان نابرابری توزیع درآمد در جامعه را نشان می‌دهد. زیرا تنها تغییرات نابرابری توزیع درآمد در جامعه بر آنها اثر می‌گذارد و رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه اندازه آن را تغییر نمی‌دهد. در حالی که خط فقر مطلق در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی تغییر می‌کند. از این رو انتخاب خط فقر مطلق در مقایسه‌ی با خط فقر نسبی از مزایای قابل توجهی برخوردار است و به همین دلیل عمده بررسی‌های انجام شده در خصوص فقر متکی بر کاربرد خط فقر مطلق است.

مفهوم دیگری از فقر، به نام فقر ذهنی، شناخته شده است. از دیدگاه فقر ذهنی، ملاک فقیر بودن یا نبودن جنبه‌ای کاملاً شخصی و ریشه در احساس فرد یا خانوار نسبت به فقر دارد. خط فقر ذهنی را می‌توان با استفاده از پرسشنامه و اظهارات شخصی فرد سنجید که آیا شخص در موقعیت فعلی اش احساس فقر می‌کند یا نه؟ و بدین ترتیب با استفاده از ملاک‌های زیستی یا درآمدی یا ترکیبی از آنها و با مطالعه رفتار مصرفی خانوار، میزانی از سطح زندگی و درآمد را که شخص در پائین‌تر از آن خود را فقیر تلقی می‌کند به دست آورده و ملاک فقیر بودن یا نبودن با آن سنجیده می‌شود.

به طور خلاصه می توان گفت که :

خط فقر عبارت است از میزان مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای رسیدن به یک سطح معین رفاه نیاز دارد. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر تلقی می شوند و کسانی که به این سطح رفاه و بالاتر از آن دسترسی دارند غیر فقیر می باشند.

با توجه به این تعریف کلی، خط فقر ممکن است به روشهای مختلف زیر به دست آید:

- روش نیازهای اساسی¹: در این روش فرض می شود که باید یک حداقلی از نیازهای خوراکی و غیرخوراکی تأمین شود. این سبد حداقل، حداقل سطح درآمد یا مصرف مورد نیاز را تأمین می کند. این روش که بر پایه ضروریات زندگی پایه گذاری شده، ابتدا در سال ۱۹۰۱ به وسیله راونتری معرفی شد. بعد از آن به دلیل مشکلات موجود در انتخاب اقلام مشمول این سبد، تعدیلاتی در آن صورت گرفت و به سبد غذایی تقلیل یافت. وی در این مطالعه وضع فقرا را در شهر یورک انگلستان مورد بررسی قرار داد و از خانواده به عنوان واحد مشاهده استفاده نمود. ارشانشکی در سال ۱۹۶۵ از این روش برای محاسبه خط فقر در ایالات متحده استفاده نمود.

بیشتر اقتصاددان در کشورهای در حال توسعه از راهنمای تهیه شده توسط سازمان خواروبار و کشاورزی (FAO) و سازمان بهداشت جهانی (WHO) برای تعیین حداقل انرژی مورد نیاز استفاده کرده اند. بر اساس گزارش تهیه شده در سومین کارگاه منطقه ای آمارهای فقر در کشورهای آسیا و اقیانوسیه (فیلیپین، ۲۰۰۴) به جز کشورهای ایران، بنگلادش، هند و فیلیپین بقیه کشورهای منطقه از حداقل کالری توصیه شده توسط دو سازمان فوق برای تعیین خط فقر استفاده می کنند.

- روش نسبت غذا^۲: بر اساس این روش همواره یک نسبت ثابتی بین مخارج خوراکی و درآمد (سایر هزینه ها) برقرار است. این روش از الگوی هزینه های واقعی برای تعیین خط فقر و اجتناب از مشکلات تعیین حداقل نیازهای غذایی استفاده می کند.

از جمله دانشمندان اروپایی که در قرن نوزدهم به بررسی علمی فقر پرداخته، ارنست انگل آلمانی است. وی ضمن کار بر روی آمارهای مربوط به هزینه و درآمد گروهی از خانوارهای کارگری بلژیک متوجه شد که میان سطح درآمد و هزینه های خوراکی خانوار رابطه ای منفی وجود

¹Basic -Needs Approach

²Food -Ratio Approach

دارد به طوری که هرچه درآمد کمتر باشد سهم بیشتری از آن صرف غذا می‌شود. این رابطه منفی که بعدها مورد تأیید پژوهشگران کشورهای مختلف قرار گرفت به قانون انگل معروف شده است. از این رو نسبت هزینه‌های خوراکی به درآمد خانوار که با عنوان ضریب انگل شناخته می‌شود به عنوان معیاری برای محاسبه خط فقر مورد استفاده قرار می‌گیرد

- روش درصدی از میانه (میانگین) درآمد: این روش فقر را به صورت وضعیتی از محرومیت نسبی توصیف می‌کند. خط فقر نسبی به مقدار توزیع نماگر پول در یک جامعه نظیر میانگین یا میانه مربوط می‌شود. لذا در این روش باید یک شاخص درآمدی مثل میانه یا نمای توزیع درآمد مشخص شود و سپس درصدی (۵۰ یا ۶۰ درصد) از آن به عنوان خط فقر لحاظ شود. به عنوان مثال در کشور آمریکا افرادی که پائین‌تر از نصف میانه درآمد قرار بگیرند فقیر محسوب می‌شوند.

- روش صدک: در این روش افراد برحسب درآمد رتبه‌بندی می‌شوند و برحسب کمترین صدک توزیع افراد فقیر شناسایی می‌شوند.

۲- تعیین خط فقر در مناطق شهری و روستایی ایران

همانطور که ذکر شد برای محاسبه‌ی خط فقر روش‌های متعددی وجود دارد. بسته به این‌که چه مفهومی، مطلق یا نسبی، از فقر مورد نظر باشد روش محاسبه‌ی خط فقر نیز فرق می‌کند. در این بررسی در ادامه‌ی مطالعه اخیر پژوهشکده‌ی آمار در زمینه محاسبه‌ی خط فقر، خط فقر بر اساس نیاز به کالری، درصدی از میانگین مخارج خانوارها و درصدی از میانه مخارج خانوارها برای مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۲ با استفاده از داده‌های طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران محاسبه شده است.

در اندازه‌گیری خط فقر که تقریباً در همه موارد شامل خط فقر مطلق و نسبی است، معمولاً درآمد به‌عنوان بهترین شاخص برای اندازه‌گیری سطح زندگی معرفی می‌شود. بدین ترتیب، درآمد می‌تواند شاخصی از فقر باشد به نحوی که فرصت‌های مصرفی را برای فرد یا خانوار ایجاد می‌کند. در استفاده از درآمد به‌عنوان جایگزینی برای رفاه خانوار معایبی وجود دارد. اول، محاسبه‌ی درآمد با مشکلاتی مواجه است، به‌عنوان مثال کارهایی که در منزل صورت می‌گیرد و یا بخشی از تولید

خانوار که به مصرف خانوار می‌رسد در محاسبه‌ی آن منظور نمی‌گردد. دوم، در خانوارهایی که از طریق وام گرفتن مصرف خود را می‌افزایند، درآمد رفاه خانوار را کمتر از حد واقعی آن برآورد می‌کند. سوم، افراد در گزارش درآمدهای خود اغلب مقادیری کمتر از حد واقعی را ابراز می‌نمایند. با توجه به کاستی‌های فوق، در مطالعات تجربی، برای اندازه‌گیری خط فقر معمولاً به هزینه‌های خانوار توجه می‌شود.

۲-۱- برآورد خط فقر بر اساس نیاز به کالری

اندازه‌گیری خط فقر بر اساس نیاز به کالری بر مفهوم فقر مطلق و نیازهای اساسی استوار است. به این صورت که ابتدا فرض می‌شود (بر اساس نظر متخصصان تغذیه) هر فرد روزانه به مقدار معین کالری نیاز دارد. در این مطالعه و مطالعه‌ی گذشته فرض نیاز به ۲۱۷۹ کالری و ۲۳۰۰ کالری در نظر گرفته شده است. در این روش ابتدا مخارج کل در سطح خانوار سرانه و سپس خانوارها بر حسب مخارج سرانه به دهک درآمدی^۱ تقسیم شدند، به طوری که در هر دهک ده درصد خانوارها قرار گرفتند. دهک اول درآمدی خانوارهایی را در بر می‌گیرد که مخارج آنها در مقایسه با سایر دهک‌ها کمتر است و با انتقال به دهک‌های بالاتر مخارج افزایش پیدا می‌کند. به منظور برآورد کالری دریافتی هر دهک، ۱۱۸ قلم کالای خوراکی در نظر گرفته شد و با استفاده از جداول کالری میزان کالری این اقلام برای هر یک از گروه‌های درآمدی محاسبه شد. سپس به منظور تخمین میزان کالری دریافتی ماتریس عملکرد غذایی محاسبه شد. تخمین ماتریس عملکرد تغذیه‌ای:

به منظور تخمین ماتریس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی دو ماتریس تهیه شد. ماتریس اول شامل مقادیر مصرف اقلام مختلف در یک سال و ماتریس دوم شامل ارزش‌های غذایی اقلام مختلف در یک کیلوگرم می‌باشد. سطرهای ماتریس اول را ۱۱۸ قلم کالای غذایی بر اساس طبقه‌بندی مرکز آمار ایران در طرح هزینه و درآمد خانوار و ستون‌های آن را مقادیر مصرف اقلام مختلف غذایی توسط یک فرد شاخص شهری یا روستایی در دهک درآمدی تشکیل می‌دهد. سطرهای ماتریس دوم را ۱۳ نوع ارزش غذایی شامل انرژی (کالری)، پروتئین، کلسیم، فسفر،

^۱ در این مطالعه از دهک‌های هزینه‌ای به جای دهک‌های درآمدی استفاده شده است.

پتاسیم، ویتامین B₁، ویتامین B₃، ویتامین A، ویتامین C، کربوهیدرات، چربی و آهن و ستون‌های آن را ارزش غذایی ۱۱۸ قلم کالای غذایی مختلف در هر کیلوگرم تشکیل می‌دهد. از ضرب دو ماتریس مذکور ماتریس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی برآورد گردید.

نکته قابل توجه این است که برای تهیه ماتریس ارزش‌های تغذیه‌ای اقلام مختلف در هر کیلوگرم، با مشکلات و محدودیت‌هایی مواجه بودیم، برای مثال جدول ارزش‌های غذایی که توسط متخصصین تغذیه تهیه شده است با طبقه‌بندی اقلام خوراکی توسط مرکز آمار ایران در تناظر نبود لذا برای ایجاد تناظر مورد نیاز، از ارزش‌های غذایی مربوط به اقلامی که در یک طبقه قرار می‌گرفتند میانگین‌گیری شد و سپس رقم حاصل برای یک طبقه معین منظور گردید. به این ترتیب ماتریس عملکرد تغذیه‌ای برای سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۲ محاسبه شد و سپس با استفاده از آن خط فقر بر اساس مراحل ذیل برآورد گردید:

مثال:

۱- انتخاب اولین دهکی که بیش از ۲۳۰۰ کالری انرژی دریافت داشته است.

۲۵۴۷ = کالری دهک دوم (سال ۸۰)

۲- محاسبه تفاوت کالری دریافتی دهک دوم از انرژی استاندارد (۲۳۰۰)

$$۲۵۴۷ - ۲۳۰۰ = ۲۴۷$$

۳- محاسبه قیمت هر واحد کالری

۲۵۴۷ = ۹۴۱ / ۲۳۹۶۶۱۴ = کالری دریافتی دهک دوم / مخارج کل دهک دوم

۴- محاسبه مخارج کالری دریافتی مازاد نیاز

$$۲۴۷ \times ۹۴۱ = ۲۳۲۱۶۱$$

۵- محاسبه خط فقر سالانه

۲۱۶۴۴۵۳ = ۲۳۲۱۶۱ - ۲۳۹۶۶۱۴ = مخارج کالری دریافتی مازاد دهک دوم - مخارج کل دهک دوم

۶- محاسبه خط فقر ماهانه

$$۱۸۰۳۷۱ = ۲۱۶۴۴۵۳ / ۱۲ = ۲۱۶۴۴۵۳ / ۱۲ = خط فقر سالانه$$

جدول ۱- برآورد کالری دریافتی خانوارهای شهری و روستایی طی سالهای ۸۲-۱۳۸۰

| ۱۳۸۲ | | ۱۳۸۱ | | ۱۳۸۰ | | شرح |
|---------|------|---------|------|---------|------|-----------|
| روستایی | شهری | روستایی | شهری | روستایی | شهری | |
| ۳۶۴۲ | ۲۹۵۶ | ۳۸۹۰ | ۳۱۴۲ | ۳۷۶۲ | ۳۰۷۸ | متوسط |
| ۲۱۹۳ | ۲۲۹۳ | ۲۱۲۴ | ۲۲۲۳ | ۲۰۸۵ | ۲۲۹۹ | دهک اول |
| ۲۷۶۵ | ۲۵۰۵ | ۲۶۴۲ | ۲۵۱۴ | ۲۵۱۵ | ۲۵۴۷ | دهک دوم |
| ۲۹۸۳ | ۲۶۵۲ | ۲۹۹۴ | ۲۷۰۹ | ۲۷۸۲ | ۲۶۶۴ | دهک سوم |
| ۳۴۰۸ | ۲۸۶۷ | ۳۲۰۹ | ۲۸۳۴ | ۳۰۸۷ | ۲۸۴۶ | دهک چهارم |
| ۳۴۴۶ | ۲۸۰۲ | ۳۴۶۱ | ۳۰۲۴ | ۳۲۹۶ | ۲۹۴۴ | دهک پنجم |
| ۳۵۶۵ | ۲۹۶۳ | ۳۶۱۶ | ۳۱۳۸ | ۳۵۲۸ | ۳۱۰۰ | دهک ششم |
| ۳۹۱۱ | ۳۱۰۱ | ۴۱۲۰ | ۳۳۸۶ | ۳۸۷۳ | ۳۲۴۷ | دهک هفتم |
| ۴۲۲۸ | ۳۰۸۱ | ۴۴۹۳ | ۳۵۴۹ | ۴۳۷۰ | ۳۵۱۴ | دهک هشتم |
| ۴۷۱۹ | ۳۳۶۳ | ۵۰۴۰ | ۳۸۱۶ | ۴۹۴۹ | ۳۷۳۷ | دهک نهم |
| ۵۱۴۶ | ۳۶۴۶ | ۷۲۰۲ | ۴۲۲۷ | ۷۱۳۵ | ۳۸۸۴ | دهک دهم |

جدول ۲- مخارج کل سرانه به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای طی سالهای ۸۲-۱۳۸۰ (ریال)

| ۱۳۸۲ | | ۱۳۸۱ | | ۱۳۸۰ | | شرح |
|----------|----------|----------|----------|----------|----------|-----------|
| روستایی | شهری | روستایی | شهری | روستایی | شهری | |
| ۵۹۷۷۷۹۰ | ۱۱۵۷۶۱۸۸ | ۴۵۵۱۰۳۶ | ۸۴۸۰۹۸۳ | ۳۵۷۵۶۵۶ | ۶۸۷۱۱۳۶ | متوسط |
| ۱۴۰۸۲۵۸ | ۲۵۵۳۰۷۹ | ۱۱۶۸۶۵۶ | ۲۱۲۵۷۵۶ | ۹۱۱۱۱۸ | ۱۹۳۲۲۰۰ | دهک اول |
| ۲۲۷۲۰۴۹ | ۳۹۵۱۱۶۹ | ۱۷۲۹۸۰۴ | ۳۰۲۲۶۵۴ | ۱۳۱۸۸۱۳ | ۲۳۹۶۶۱۴ | دهک دوم |
| ۲۹۰۴۹۲۸ | ۴۹۹۷۵۷۸ | ۲۲۰۹۸۸۳ | ۳۸۵۴۸۷۰ | ۱۶۹۵۹۸۰ | ۳۰۸۹۷۰۱ | دهک سوم |
| ۳۵۱۷۸۸۶ | ۶۰۳۷۰۷۹ | ۲۶۸۲۹۵۹ | ۴۶۹۷۹۲۸ | ۲۰۸۵۲۰۴ | ۳۷۹۴۶۹۳ | دهک چهارم |
| ۴۱۹۳۹۷۲ | ۷۱۶۴۰۰۴ | ۳۱۸۱۲۵۸ | ۵۶۰۶۵۵۸ | ۲۴۷۸۹۵۷ | ۴۴۹۷۸۸۷ | دهک پنجم |
| ۴۹۳۴۴۶۷ | ۸۵۵۸۶۴۰ | ۳۷۶۵۳۳۰ | ۶۶۴۴۳۹۷ | ۲۹۳۶۵۳۶ | ۵۳۱۵۹۱۲ | دهک ششم |
| ۵۸۵۰۴۴۱ | ۱۰۲۶۴۷۵۰ | ۴۵۲۶۰۷۰ | ۷۹۵۱۸۷۵ | ۳۵۲۹۵۵۰ | ۶۳۱۱۷۵۷ | دهک هفتم |
| ۷۱۴۶۰۱۱ | ۱۲۶۲۰۰۱۲ | ۵۵۰۱۴۸۰ | ۹۹۰۱۳۸۲ | ۴۳۲۳۹۸۴ | ۷۷۸۵۱۷۱ | دهک هشتم |
| ۹۲۷۹۱۲۱ | ۱۶۸۸۲۲۶۰ | ۷۲۱۰۳۳۸ | ۱۳۳۵۷۹۸۳ | ۵۶۷۸۰۳۷ | ۱۰۵۰۴۲۹۸ | دهک نهم |
| ۱۷۷۰۲۵۸۶ | ۳۵۸۹۰۰۲۸ | ۱۳۵۳۰۹۴۶ | ۲۷۶۲۹۹۳۵ | ۱۰۷۹۱۵۲۳ | ۲۲۱۷۲۶۵۶ | دهک دهم |

مأخذ: طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی - مرکز آمار ایران ۸۲-۱۳۸۰

در جداول ۱ و ۲ به ترتیب کالری دریافتی و مخارج کل سرانه خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای برای سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۲ درج شده است. این نتایج دلالت بر آن دارند که مخارج کل طی سال‌های مورد مطالعه روند افزایشی داشته است در حالی که در مورد کالری دریافتی این روند مصداق کامل پیدا نمی‌کند. بدین معنی که در مورد خانوارهای شهری میزان کالری دریافتی در سال ۱۳۸۱ نسبت به ۱۳۸۰ افزایش یافته در حالی که در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال ۱۳۸۱ کاهش یافته است. نکته حائز اهمیت این است که دهک اول طی سال‌های مورد مطالعه همواره کمتر از ۲۳۰۰ کالری استاندارد دریافت کرده است.

جدول ۳- برآورد خط فقر بر اساس نیاز به ۲۳۰۰ و ۲۱۷۹ کالری طی سال‌های ۸۲-۱۳۸۰

سرانه - ماهانه - ریال

| ۲۳۰۰ کالری | | ۲۱۷۹ کالری | | سال |
|------------|--------|------------|--------|------|
| روستایی | شهری | روستایی | شهری | |
| ۱۰۰۵۲۰ | ۱۸۰۳۷۱ | ۹۵۲۳۲ | ۱۵۲۶۱۲ | ۱۳۸۰ |
| ۱۲۵۵۰۳ | ۲۳۰۴۳۵ | ۱۱۸۹۰۱ | ۱۷۳۶۳۲ | ۱۳۸۱ |
| ۱۵۷۴۸۱ | ۳۰۲۳۰۷ | ۱۱۶۶۳۲ | ۲۰۲۱۳۸ | ۱۳۸۲ |

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در جدول ۳ خط فقر برآورد شده با رویکرد نیازهای اساسی بر مبنای کالری استاندارد ۲۱۷۹ و ۲۳۰۰ به صورت جداگانه در مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۲ درج شده است.

بر پایه‌ی کالری استاندارد ۲۳۰۰ خط فقر برآورد شده برای یک نفر شهری در سال ۱۳۸۰، ۱۸۰۳۷۱ ریال در ماه می‌باشد که این رقم در سال ۸۱ به ۲۳۰۴۳۵ ریال و در سال ۱۳۸۲ به ۳۰۲۳۰۷ ریال رسیده است. بر اساس این نتایج رشد خط فقر طی سال‌های مذکور به ترتیب ۲۸ و ۳۱ درصد بوده است.

برای جوامع روستایی خط فقر بر پایه‌ی نیاز به ۲۳۰۰ کالری در سال ۱۳۸۰ برای هر نفر در ماه ۱۰۰۵۲۰ ریال برآورد شده که این رقم در سال‌های ۸۱ و ۸۲ به ترتیب به ۱۲۵۵۰۳ ریال و ۱۵۷۴۸۱ ریال افزایش یافته است. ارقام مذکور نشان می‌دهد که خط فقر طی سال‌های مورد مطالعه

در جوامع روستایی ۲۵ درصد افزایش یافته است. نتایج حاصل نشانگر آن است خط فقر مطلق طی سال‌های مورد مطالعه در جوامع شهری تقریباً ۲ برابر جوامع روستایی بوده است.

۲-۲- برآورد خط فقر بر پایه ۵۰ و ۶۶ درصد میانگین مخارج

یکی از روش‌های اندازه‌گیری خط فقر بر پایه مفهوم نسبی فقر، محاسبه‌ی میانگین مخارج خانوارها و تعیین درصدی از آن به‌عنوان خط فقر می‌باشد. البته در این روش اگرچه به مفهوم نسبی فقر تأکید شده است اما دیدگاه مستدلی برای تعیین درصد موردنظر وجود ندارد و در واقع تعیین ۵۰ و یا ۶۶ درصد، اختیاری و تجربی است و هر محقق می‌تواند آن را برای خود تعیین نماید. بر پایه‌ی مطالعه‌ی قبلی، در این مطالعه نیز از ۵۰ درصد و ۶۶ درصد به‌عنوان دو معیار تعیین خط فقر استفاده شد. برای محاسبه‌ی خط فقر از این روش ابتدا میانگین مخارج برای ده دهک درآمدی در جوامع شهری و روستایی محاسبه و سپس ۵۰ درصد و ۶۶ درصد آن به‌عنوان خط فقر در نظر گرفته شد.

مثال:

۱- محاسبه‌ی میانگین مخارج خانوارهای شهری در سال ۸۰

$$\text{میانگین مخارج شهری} = \frac{۱۹۳۲۲۰۰ + ۲۳۹۶۶۱۴ + ۳۰۸۹۷۰۱ + ۳۷۹۴۶۹۳ + ۴۴۹۷۸۸۷ + ۵۳۱۵۹۱۲ + ۶۳۱۱۷۵ + ۷۷۸۵۱۷۱ + ۱۰۵۰۴۲۹۸ + ۲۲۱۷۲۶۵۶}{۱۰} = ۶۷۸۰۰۸۹$$

۲- تعیین خط فقر بر اساس ۵۰ درصد یا ۶۶ درصد میانگین مخارج

$$\text{خط فقر سالانه بر پایه‌ی ۵۰ درصد} = ۶۷۸۰۰۸۹ \times \frac{۵۰}{۱۰۰} = ۳۳۹۰۰۴۴$$

$$\text{خط فقر ماهانه بر پایه‌ی ۵۰ درصد} = ۳۳۹۰۰۴۴ / ۱۲ = ۲۸۲۵۰۴$$

$$\text{خط فقر سالانه بر پایه‌ی ۶۶ درصد} = ۶۷۸۰۰۸۹ \times \frac{۶۶}{۱۰۰} = ۴۴۷۴۸۵۹$$

$$\text{خط فقر ماهانه بر پایه‌ی ۶۶ درصد} = ۴۴۷۴۸۵۹ / ۱۲ = ۳۷۲۹۰۵$$

جدول ۴- برآورد خط فقر بر اساس ۵۰ و ۶۶ درصد میانگین مخارج طی سال‌های ۸۲-۱۳۸۰

سرانه- ماهانه- ریال

| ۶۶ درصد میانگین مخارج | | ۵۰ درصد میانگین مخارج | | سال |
|-----------------------|--------|-----------------------|--------|------|
| روستایی | شهری | روستایی | شهری | |
| ۱۹۶۶۲۳ | ۳۷۲۹۰۵ | ۱۴۸۹۵۷ | ۲۸۲۵۰۴ | ۱۳۸۰ |
| ۲۵۰۲۸۷ | ۴۴۹۸۶۳ | ۱۸۹۶۱۱ | ۳۴۰۸۰۶ | ۱۳۸۱ |
| ۳۲۵۶۵۳ | ۵۹۹۰۵۲ | ۲۴۶۷۰۷ | ۴۵۳۸۲۷ | ۱۳۸۲ |

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از برآورد خط فقر بر اساس ۵۰ و ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارهای شهری و روستایی در جدول ۴ درج شده است. این نتایج دلالت بر آن دارد که خط فقر برآورد شده در سال ۸۰ بر پایه ۵۰ درصد میانگین مخارج برای هر نفر در ماه در جوامع شهری ۲۸۲۵۰۴ ریال بوده که در سال ۸۲ به ۴۵۳۸۲۷ ریال افزایش یافته است. یعنی به طور متوسط سالانه رشدی معادل ۲۶/۷ درصد داشته است. برای جوامع روستایی خط فقر برآوردی بر پایه معیار مذکور در سال ۸۰ برابر ۱۴۸۹۵۷ ریال در هر ماه بوده که در سال ۸۲ به ۲۴۶۷۰۷ ریال افزایش یافته است. یعنی سالانه رشدی معادل ۲۸/۷ درصد داشته است. خط فقر برآورد شده بر پایه ۶۶ درصد میانگین مخارج نیز روندی مشابه ۵۰ درصد میانگین مخارج را نشان می‌دهد.

۳-۲- برآورد خط فقر بر اساس ۵۰ و ۶۶ درصد میانه مخارج

یکی دیگر از روش‌های اندازه‌گیری خط فقر که بر پایه مفهوم فقر نسبی استوار است تعیین میانه‌ی مخارج خانوارهای مورد مطالعه و محاسبه‌ی ۵۰ یا ۶۶ درصد آن به عنوان خط فقر می‌باشد. در این روش نیز همانند روش میانگین مخارج، معیار خاصی برای محاسبه درصدی از میانه مخارج به عنوان خط فقر وجود ندارد بلکه محقق بر اساس تجربیات و شناختی که از جامعه مورد مطالعه دارد، درصدی را به صورت اختیاری در نظر می‌گیرد. به منظور محاسبه‌ی خط فقر از این روش ابتدا مخارج خانوار در دهک درآمدی مرتب گردید سپس از مخارج دهک‌های پنجم و ششم میانگین‌گیری شد و این میانگین به عنوان میانه‌ی مخارج خانوارها در نظر گرفته شد. در نهایت خط فقر بر پایه ۵۰ درصد و ۶۶ درصد این میانه محاسبه شد.

مثال:

۱- تعیین میان‌ه‌ی مخارج خانوارهای شهری سال ۸۰

$$= 2 \frac{4497887 + 5315912}{2} = 4906899 = \text{مخارج دهک ششم} + \text{مخارج دهک پنجم}$$

۲- محاسبه‌ی خط فقر بر پایه‌ی ۵۰ و ۶۶ درصد میان‌ه‌ی مخارج

$$\text{خط فقر سالانه بر پایه‌ی ۵۰ درصد} = 4906899 \times \frac{50}{100} = 2453450$$

$$\text{خط فقر ماهانه بر پایه‌ی ۵۰ درصد} = 2453450 / 12 = 204454$$

$$\text{خط فقر سالانه بر پایه‌ی ۶۶ درصد} = 4906899 \times \frac{66}{100} = 3238554$$

$$\text{خط فقر ماهانه بر پایه‌ی ۶۶ درصد} = 3238554 / 12 = 269879$$

جدول ۵- برآورد خط فقر بر اساس ۵۰ و ۶۶ درصد میان‌ه‌ی مخارج طی سال‌های ۸۲-۱۳۸۰

سرانه- ماهانه- ریال

| سال | ۵۰ درصد میان‌ه‌ی مخارج | | ۶۶ درصد میان‌ه‌ی مخارج | |
|------|------------------------|---------|------------------------|---------|
| | شهری | روستایی | شهری | روستایی |
| ۱۳۸۰ | ۲۰۴۴۵۴ | ۱۱۲۸۲۳ | ۲۶۹۸۷۹ | ۱۴۸۹۲۶ |
| ۱۳۸۱ | ۲۵۵۲۲۸ | ۱۴۴۷۲۱ | ۳۳۶۹۰۱ | ۱۹۱۰۳۱ |
| ۱۳۸۲ | ۳۲۷۵۵۵ | ۱۹۰۱۷۶ | ۴۳۲۳۷۳ | ۲۵۱۰۳۲ |

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از برآورد خط فقر بر پایه‌ی ۵۰ و ۶۶ درصد میان‌ه‌ی مخارج خانوارهای شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۲ در جدول ۵ درج شده است. بر اساس این نتایج خط فقر برآورد شده در سال ۸۰ بر پایه‌ی ۵۰ درصد میان‌ه‌ی مخارج برای هر نفر در ماه در جوامع شهری ۲۰۴۴۵۴ ریال بوده که این رقم در سال ۸۲ به ۳۲۷۵۵۵ ریال افزایش یافته است. یعنی به‌طور متوسط سالانه ۲۶/۵ درصد رشد داشته است. در جوامع روستایی خط فقر برآورد شده بر پایه‌ی معیار مذکور در سال ۸۰ برابر ۱۱۲۸۲۳ ریال در هر ماه بوده که این رقم در سال ۸۲ به ۱۹۰۱۷۶ ریال افزایش یافته است. یعنی سالانه به‌طور متوسط ۲۹/۸ درصد رشد داشته است. نتایج به‌دست

آمده بر پایه‌ی ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج نیز همین میزان رشد را نشان می‌دهد. به این ترتیب نتایج حاصل نشان می‌دهد که فقر نسبی در جوامع روستایی بیش از جوامع شهری افزایش یافته است.

۳- بررسی سطح فقر در خانوارها

در بخش اول این مطالعه انواع خط فقر بر حسب روش‌های مختلف و مفاهیم مطلق و نسبی از فقر محاسبه و نتایج آن ارائه شد. این نتایج پایه‌ی تفکیک فقیرها از غیر فقیرها قرار می‌گیرد و به کمک آن شاخص درصد خانوارهای فقیر^۱ که نشان‌دهنده سطح فقر در بین خانوارهای مختلف است محاسبه می‌شود. در این مطالعه شاخص درصد خانوارهای فقیر با استفاده از رابطه‌ی زیر محاسبه شده است:

$$H = \frac{m}{n} \times 100$$

که در آن:

H = درصد خانوارهای فقیر

m = تعداد خانوارهایی که درآمدی کمتر از خط فقر دارند

n = تعداد کل خانوارهای مورد مطالعه

می‌باشد.

در جدول زیر درصد خانوارهای فقیر برحسب خط فقر ۲۳۰۰ کالری برای سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۲ محاسبه شده است.

جدول ۶- برآورد درصد خانوارهای زیر خط فقر بر اساس نیاز به ۲۳۰۰ کالری طی سالهای ۸۲-۱۳۸۰ درصد

| شرح | ۱۳۸۰ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۲ |
|-------------------|---------|------|------|
| خط فقر ۲۳۰۰ کالری | شهری | ۱۱ | ۱۲ |
| | روستایی | ۱۱/۵ | ۱۰ |

مأخذ: یافته‌های پژوهش

¹ Headcount ratio

نتایج جدول ۶ دلالت بر آن دارد که درصد خانوارهای زیر خط فقر طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۲ برحسب مفهوم مطلق فقر در جوامع شهری افزایش یافته و از ۱۱ درصد به ۱۲ درصد رسیده است در حالی که در جوامع روستایی درصد خانوارهای فقیر کاهش یافته و از ۱۱/۵ به ۱۰ درصد رسیده است.

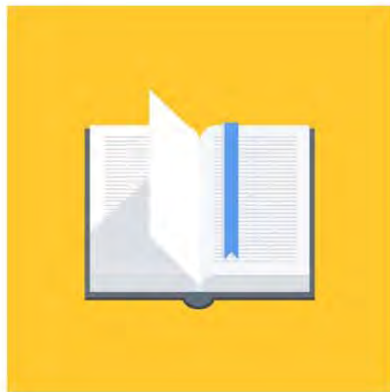
۴- نتیجه‌گیری

در این بررسی خط فقر بر اساس معیارهای مختلف نیاز به کالری، درصدی از میانگین مخارج و درصدی از میانه‌ی مخارج خانوارها برای سال‌های ۸۲-۱۳۸۰ به تفکیک مناطق شهری و روستایی محاسبه شد. نکته قابل توجه در نتایج محاسبات این است که در کلیه سال‌های مورد مطالعه و بر اساس کلیه روش‌های مورد استفاده خط فقر شهری بزرگ‌تر از خط فقر روستایی است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که افزایش خط فقر بر پایه‌ی مفهوم مطلق فقر در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی بوده، در حالی که بر پایه‌ی مفهوم نسبی فقر خط فقر در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری افزایش یافته است.

در بررسی حاضر علاوه بر محاسبه‌ی خط فقر در مناطق شهری و روستایی، درصد خانوارهای فقیر برحسب نیاز به ۲۳۰۰ کالری نیز محاسبه شد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که در سال ۸۲، ۱۲ درصد خانوارهای شهری و ۱۰ درصد خانوارهای روستایی زیر خط فقر زندگی می‌کنند و در طی سال‌های مورد مطالعه درصد جمعیت زیر خط فقر در مناطق شهری افزایش یافته و از ۱۱ درصد به ۱۲ درصد رسیده در حالی که در مناطق روستایی این درصد کاهش یافته و از ۱۱/۵ درصد به ۱۰ درصد رسیده است.

منابع و مأخذ

- ۱- خدادادکاشی و همکاران(۱۳۸۱)، «اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران ۷۹-۱۳۶۳»، پژوهشکده‌ی آمار
- ۲- «طرح الگوی مصرف خوراک، تحلیل اقتصادی عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری، روستایی» مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۱
- ۳- «طرح مطالعه عملکرد تغذیه‌ای و امنیت غذایی خانوارهای ایرانی» مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۲
- ۴- «گزارش پروژه ظرفیت‌سازی آماری برای شاخص‌های فقر کشور»، مرکز آمار ایران، ۱۳۸۱
- ۵- «اندازه شاخص‌های فقر و نابرابری توزیع درآمد در ایران طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵»، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷
- ۶- «نتایج طرح آمارگیری از طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی»، مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰-۸۲
- ۷- «بررسی عملکرد برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه در کاهش فقر مناطق شهری و روستایی کشور»، مؤسسه‌ی اقتصادی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۳
- ۸- مهریار، امیر هوشنگ(۱۳۷۳)، «فقر: تعریف و اندازه‌گیری آن»، برنامه و توسعه، دوره ۲، شماره ۸
- 9-World Bank, 1999, "A World Free of Poverty", Available : www.worldbank.org
- 10- Wolff, Edward N.(1997), "Economics of Poverty, Inequality & Discrimination", South – Western Collage Publishing
- 11-Alcock, Pete, 1997, "Understanding Poverty", Second Edition, Macmillan Press
- 12-Ravallion, Martin, 1998, "Poverty Lines in Theory and Practice" LSMS, Working Paper No.133, World Bank
- 13-Pajooyan, J.(1994), "Establishing the Poverty Line", Iran Economic Review, No.1
- 14-Orshansky, M.(1965a), "Who's who among the poor: A Demographic View of Poverty", Social Security Bulletin, No.28
- 15-Orshansky, M.(1966a), "How Poverty is Measured", Social Security Bulletin, No.29
- 16-Rowntree, B.S.(1901), "Poverty : A Study of Town Life", London, Macmillan



آیا می‌دونستید لذت مطالعه و درصد یادگیری با کتاب‌های چاپی بیشتره؟
کارنیل (محبوب‌ترین شبکه موفقیت ایران) بهترین کتاب‌های موفقیت فردی
رو برای همه ایرانیان تهیه کرده

از طریق لینک زیر به کتاب‌ها دسترسی خواهید داشت

www.karnil.com

با کارنیل موفقیت سادست، منتظر شما هستیم

 Karnil  Karnil.com

